

## چرایی بحران صنعت چای شمال ایران (۱)

بعد از آیت الله های شکرخوار، نوبت به آقازاده های چایی خوار رسید!

امیرجوهری لنگرودی

سیزدهم آبان ماه هشتاد و شش



**مقدمه:** سایت بی بی سی در تاریخ ۱۹ اکتبر ۲۰۰۷ بخش فارسی نوشت: «صنعت چای ایران دوره تلخی را پشت سر می گذارد که به گواه دست اندرکاران، در تاریخ صدساله صنعت چای ایران بی سابقه است. در این رابطه تلویزیون دولتی ایران به نقل از ایرج هوسمی رئیس اتحادیه چایکاران نوشته است؛ که میزان تولید چای خشک در سال زراعی جاری به حدود ۲۷ هزار تن رسیده است.» همین خبرگزاری در تاریخ ۲۷ اکتبر از قول دست اندرکاران چای نوشت: «سعید رحمت سمیعی رئیس هیات مدیره انجمن صنفی کارفرمایی

کارخانجات چای شمال گفته است که در سال گذشته ۱۵۶ کارخانه فعال بودند اما امسال تعداد کارخانجات فعال چای به ۱۱۵ کارخانه رسیده است.» در ادامه از قول رحمت سمیعی آمده است: «دولت به دلیل بدهکاری یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومانی برخی کارخانه های چای با این کارخانه های بدهکار قرارداد نبسته و این کارخانه ها تعطیل شده اند.» در همین گزارش آمده است: «فرخ ایرانفر مدیرکل چای شمال نیز تعطیلی کارخانجات را تأیید کرده و گفته است که: «در بعضی مناطق که کارخانه ها تعطیل هستند به صورت محدود شعبه خرید برگ سبزچای توسط سازمان تعاون روستایی ایجاد شده است.» در این مقالات، طی دو بخش، با انعکاس رنج زحمتکشان روستایی را از زبان آنان، به توضیح سیر بحران صنعت چای پرداخته و آنچه را که در سال ۸۶ شاهدش هستیم، بازمی گویم. در این نوشته ها، دفاع از منافع کارگران کارخانجات چای و کشاورزان چایی کار و کارگران باغات چای و تلاش آنان در راه رهایی از سلطه سرمایه داری انگلی بازاری و آقازاده های چایی خوار را مورد بررسی قرار می دهم.

کشاورزان چای کار مناطق شمال کشور، طی سالهای اخیر، هرگاه که فرصت یافتند، فغان برآوردند که دارند زیر فشار زندگی، گرانی، بدهکاری، نداشتن آب و بذر، عدم دریافت گود، سموم گیاهی، مشکلات فرزندان در آستانه گشایش مدارس، کمبود مایحتاج و عدم توجه دولت و دست اندرکاران کشور با خبرنگاران به گفتگو نشستند. با هم گوشه هایی از درد دل و گفتگوی روستائیان شرق گیلان را مرور نمائیم:

حسین علی نیا، عضو هیات مدیره چای کاران آستانه اشرفیه به گزارشگر "روزنامه معین" می گوید: «در مورد مشکلات چای باید بگویم که از اول تا آخرش مشکل است، هم چیدن چای و هم قیمت چای که اصلاً مقرون به صرفه نیست.

شما الان اگر بخواهید يك كيلوچای را ۱۹۸ تومان برآورد هزینه کنید برای خود کشاورز حداقل ۱۰۰ تومان دارد تمام می شود. اگر قبل از آن، تسهیلات بانکی را ندهند، شخم زدن و هرس کردن و کندن علف های هرز، خود بخود ۱۰۰ تومان برای کشاورز تمام می شود. الان من هم به عنوان مناسبه کارباغی را بگیرم ۱۰۰ درصد ضررخواهم کرد با این کار کشاورزی، حتی جلوی گدایی را هم نمیتوان گرفت. حالا با این تفاسیل اگر دولت قیمت چای را سرو سامان ببخشد، احتمال دارد کشاورز تقریباً از خجالت زن و بچه اش درآید.

مهم اینجاست که بعضی از مدیران ما در امور چای خیلی کم کارند. مثلاً رییس تعاونی آستانه اصلاً در مورد چای اطلاعاتی ندارد در واقع باید يك مسئولی در منطقه بگذارند تا چای شناس باشد و بداند که ما داریم چه می گوئیم. مشکل ماهمین است وقتی يك كيلو چای فقط برداشتش بدون احتساب شخم زدن و هرس کردن و کندن علف های هرز ۲۰۰ تومان تمام میشود آنوقت تعاونی هم ۱۹۸ تومان می دهد که با این کارها، مشکلی حل نمی شود. پس باید دولت و تعاونی قیمت ها را طوری قرار دهد که حداقل يك کمی به واقعیت نزدیک باشد...»

ولی حکیمی : اصلاً کشاورز هیچ راهی برای زندگی کردن ندارد.

« مشکل ما این است که ما از ۲۸ اردیبهشت ماه، چای را چیدیم و ریختیم شعبه آصفی، هنوز هم تعاونی آستانه، ما را پاس میدهد تعاونی لاهیجان ، تعاونی لاهیجان هم می گوید: چون چای شما برای شعبه جات است رفته مازندران. پس تکلیف ما که الان .. چه می باشد؟ این آقا و خانمی که چای را چیدند و هنوز تکلیفش مشخص نشده، باید از کجا بیاورند بخورند؟ بدهکاری شان را از کجا بدهند؟ ما چگونه باید جوابگوی مخارج زندگی مان باشیم؟ اصلاً کشاورز هیچ راهی برای زندگی کردن ندارد. کارخانه آصفی هم که تعطیل شده و همه کشاورزان مثل هم هستند و بدبخت و بیچاره اند. همه هم بیسواد هستند هم دفترچه داریم، هم مهرکارت به ما دادند ولی کشاورز بیسواد چه میداند مهر کارت چیست؟ کشاورز چه گناهی کرده که باید اینقدر زجر بکشد؟»

حسین میرزاپور:

« مشکل زندگی من خیلی زیاد است. خانه ام را بیایید نگاه کنید اصلاً قابل زندگی کردن نیست. نمی توانم از پس مخارج زندگیم برآیم. همه مردم مشکلات زندگی را می دانند فقط خدا می تواند کمک کند. حداقل از کمیته امداد انتظار دارم که به داد من برسد، در خانه هیچی ندارم نه تلویزیون نه یخچال نه آبگرمکن...»

شعبه های دیگر پول چای را دادند ولی ما هنوز همان مرحله اول پول چای را نگرفتیم.

و اما در مورد چای هم باید بگویم که مشکلات باغ چای خیلی زیاد است و مردم با اینهمه مشکل، چای را می چینند و می برند کارخانه که تازه آنجا صحبت از درجه ۱ و درجه ۲ می کنند که از این طریق ما را سرگردان می کنند و ما هم تکلیف مان را نمیدانیم. در واقع کشاورز همه جور مشکلات دارد و کسی نیست که به داد ما کشاورزان برسد...»

علیرضا معصومی، یکی از اهالی بازان:

« بیشترین مشکلات ما مربوط به کشاورزی است که حدود ۲ سال پیش بعضی از آقایان با نظارت جهاد کشاورزی آستانه اشرفیه آمدند یکسری از زمین های ما را ظاهر امکانش کرده کردند که متأسفانه بعضی از زمینها را به باتلاق تبدیل کردند و همین طور گذاشتند و رفتند و ماندیم با زمین هایی پست و بلند که نمی دانیم باید چکار باید بکنیم؟ همچنین سم

و دارو و... را به موقع به ما نمیدهند. دیگر اینکه همان طوری که آقایان گفتند کلا ما کشاورزان درمورد برنج خیلی گرفتاری داریم تا زمانی که ما این محصول در دست ما کشاورزان است و باید آن را بفروشیم و پول آب و گاز و برق و سایر بدهکاری مان را بدهیم طبق معمول ارزان است و ناچارا باید به قیمت پایینی آن را بفروشیم چون راه دیگری نداریم و ... ولی الان...»

کشاورز دیگری می گوید: «حدود ۱۱۰ خانوار داریم و منطقه ای هستیم چای خیز، فقط چین اول يك درصدی برای ما کشاورزان می ماند، چین دوم چای را ۱۹۸ تومان از ما می خردند، گوشت و سیب زمینی را باید به قیمت گزاف بخريم حتى پودر رختشویی و... را هم باید به قیمت گزافی بخريم درحالی که ما صبح از ساعت ۴ صبح می رویم باغ چای زحمت می کشیم تا ۸ شب و آنوقت محصولمان را ۱۹۸ تومان می خردند که این وسط اصلا چیزی برای ما نمی ماند.» \* (۱)

واگویای این همه درد و دل کشاورزان روستایی نشان می دهد: مشکلات عدیده اقتصادی - سیاسی و فرهنگی - اجتماعی جامعه ایران را دربر گرفته است. می رود تا به کلاف سردرگمی تبدیل گردد که راه حل های عادی نمی تواند جوابگوی آن باشد. وقتی از صنعت چای صحبت می شود، آمار رسمی سازمان چای کشور سابق در اوایل دهه ۸۰ حدود ۷۴ هزار خانوار چایکار که به طور مستقیم از این فرآورده گذران زندگی می کنند، رقم ارائه می دهد. در واقعیت امر تعداد شاغلین بخش کارخانه ای و کشاورزان باغدار که از این محصول ارتزاق می کنند به بیش از يك میلیون نفر می رسد که درصد قابل توجهی از جمعیت شمال ایران را در بر می گیرد. متأسفانه با سیاست گذاری کاملاً غلط و نابخردانه دولت با تعطیلی بخش عمده کارخانه های چای بیشتر شاغلان این بخش نیز بیکار شدند. در این رابطه "سعید رحمت سمیعی" رئیس هیات مدیره انجمن صنفی کارفرمایان کارخانجات چای شمال گفته است:

« در سال گذشته ۱۵۶ کارخانه فعال بودند اما امسال تعداد کارخانجات فعال چای به ۱۱۵ کارخانه رسیده است...» یعنی به گفته رحمت سمیعی، «در طول یک سال اخیر ۴۱ کارخانه تعطیل شده و هزار و شصتصد (۱۶۰۰) کارگر کارخانه های چای در استان گیلان بیکار شده اند.» (بخش فارسی رادیو بی بی سی، شنبه ۲۷ اکتبر ۲۰۰۷)

بعد از پایان جنگ هشت (۸) ساله ایران و عراق، روند روبه سقوط صنایع درزمینه های مختلف با پیاده شدن طرحهای برنامه ی دولت های رفسنجانی و خاتمی طی ۱۶ سال با عنوان اصلاح ساختاری در مجموعه صنایع از جمله برسر صنعت چای نیز آسیب خود را بجا گذاشت. نامه اتحادیه چایسازان منطقه املش (شرق گیلان) به خامنه ای، این پروسه ورشکستگی را طی دوران خاتمی، بخوبی نشان می دهد.

دربخشی از این نامه آمده است: « ۸ سال از دوران اجرایی طرح اصلاح ساختار با مشکل عظیمی درزمینه بازرگانی و فروش چای خشک تولیدی مواجه می باشد. به همین جهت در طول دوران اجرای طرح اصلاح ساختار، هر سال در قالب آئین نامه اجرایی خاصی به فعالیت پرداخته که در چهار سال اول طرح، یعنی از سال ۱۳۷۹ لغایت ۱۳۸۲ در قالب خرید تضمینی و کارشناسی برگ سبز و چای خشک توسط وزارت جهاد کشاورزی به مباشرت سازمان چای، مقدار ۱۵۰۰۰۰۰ هزار تن چای خشک را بدون اینکه راهکاری برای عرضه آن به بازار مصرف داخل و خارج داشته باشند و بدون اینکه مصرف کنندگان داخل و خارج این دسترنج چایکاران زحمتکش و کارخانه داران پرتلاش را مورد رویت خویش قرار دهند، یکسره و بدون هیچ دلیلی تحت عنوان بابت

دین بانکی دریافتی کارخانجات چایسازی از بانک ملی به زیرکلید بانک و درانبارهای تهران - گیلان و... دیوگردید که به ازای آن حداقل معادل ۱۵۰ میلیارد تومان فقط بابت خرید و فرآوری آن از خزانه دولت هزینه شده که امروز با احتساب سود و جرایم بانکی بیش از دوبرابر می باشد. در سال ۱۳۸۳ در ادامه طرح با بحران مواجه شدند و با پرداخت هکتاری ۷۰۰ هزار تومان بلاعوض به چایکاران و حذف قیمت تضمینی و تخریب بازار فروش چای و انباشته نمودن بازار از چای خارجی بیش از نیاز داخل باعث آسیب فراوانی به چایکاران شدند که حاصل آن کاهش تولید چای خشک از ۵۵ هزار تن به ۲۳ هزار تن بود و پی آمد دیگر آن بی رغبتی چایکاران و رها کردن باغات چای و تبدیل و تغییر کاربری بخشی از باغات را به همراه داشت و در همین شرایط بحرانی و کاهش تولید هر ساله مجوز تاسیس کارخانجات جدیدی با عناوین مختلف مشارکت چایکاران و تعاونی چایکاران با سرمایه ملی در دستور کار قرار گرفت که این رقم به حدود دو برابر رسیده و امروز بسیاری از این واحدها ی چایسازی با بیش از قیمت واقعی خود بدهکار سستیم بانکی و غیر بانکی هستند در یک شرایط نامتعادل به فعالیت جهت بقای خود ادامه میدهند و یا اینکه تعدادی در کمال یاس و درماندگی تعطیل شده اند و این سرمایه ملی ابتر و بی مصرف مانده است...»

بی تردید در دوره خاتمی، برای پیشبرد طرح ساختار چای، سازمان چای رامنحل کردند، اداره چای را به سازمان تعاون روستایی که تجربه ای در این صنعت نداشت و اگذار کردند. نتیجه این کار افزایش بحران و ضرروزیان بجا مانده از کارکرد آنان بر روی این محصول می باشد. (خرداد ماه ۱۳۸۶)

در این زمینه، مدیر اتحادیه چایسازان شهرستان املش آقای محسن پیل بالا می گوید: «در حال حاضر حدود ۶۰ کارخانه چایسازی در استان گیلان تعطیل هستند در حالیکه این کارخانه ها تعهد داده بودند که تا ۱۵ خرداد بدهی معوقه خود به تعاون روستایی را پرداخت کنند که متأسفانه به دلیل نبود بازار فروش تولید، کارخانه داران حتی موفق نشدند هزینه های جاری خود را تا مین کنند» وی ادامه می دهد: «مع الوصف تمام هم و غم متولیان امور چای و بازرگانی چای صرفاً خدمت بی منت به وارد کنندگان قانونی و غیر قانونی چای خارجی است که به قیمت نابودی ۶۰ هزار خانوار چایکار و ۱۸۰ واحد چایسازی عرصه را بر وارد کنندگان هموار نمودند. از آنجائیکه طرح اصلاح ساختار چای در دوران اجرایی خود با سیاست های ضد تولیدی و با نگاه به تقویت و توسعه صادرات جهت جایگزینی تولید داخلی مبنی بر اینکه چای داخلی بدون کیفیت و پرهزینه است میزان تولید داخلی را از سال ۱۳۷۹ تا کنون به حدود یک سوم کاهش داده اند.» مدیر اتحادیه چایسازان می گوید: «جای تأسف است در حالی که چای خارجی را به اجبار در قالب سهمیه کارگری و کارمندی با قیمت بیش از ۶۰۰۰ تومان به مصرف کننده تحمیل می کنند که نمونه آن (توزیع چای جهان در قالب بن کارمندی از طریق فروشگاههای اتکا) در همین استان گیلان می باشد. در زمانی که کارخانه ها باید هزینه های جاری و بدهی خود به سازمان تعاون روستایی را پرداخت می کردند، بازار فروش کاملاً قفل شده بود و هیچ کسی متقاضی خرید چای کارخانه ها نبود تا جایی که برخی کارخانه ها به ازای هر کیلو ۳۰۰ تا ۳۵۰ تومان زیر قیمت محصول خود را بفروش رساندند. این متولیان محترم مطمئن باشند در قبال این نا مدیریتی خود مدال شجاعت نخواهند گرفت.» محسن پیل بالا مدیر اتحادیه... می گوید: «با چنین سیاستی یکسویه، مسئولان نه حاضرند در برابر افکار عمومی در یک مناظره مستقیم به توجیح عملکرد خود بپردازند و نه حتی

حاضرند در یک محکمه عادلانه و بی طرف عاملین این ناهنجاری ها را معرفی نموده و به محاکمه بکشند. وی در پایان اظهار داشت: «صرفاً از تریبون های اختصاصی خود، کارخانه داران چای را بعنوان مقصرین اصلی و بدهکار دولت معرفی می نمایند و در شرایط بحرانی برداشت برگ سبز چای بجای ارائه طریق منطقی، جهت برون رفت از معضل فعلی و ارائه شیوه مدیریت موفق و کارساز به این نتیجه رسیدند که برگ سبز را با هزینه ای به مراتب بیشتر از قیمت برگ سبز معدوم نمایند تا از این طریق ضرب و شستی به کارخانه داران نشان داده باشند.» (به نقل از سایت املش نیوز، ۱۳ اردیبهشت ۸۶)

تا اینجا از زبان دست اندرکاران چای مشخص شد که نقش دولت ها در بحران آفرینی این صنعت همچون دیگر صنایع (نساجی- نیشکر- خودروسازی و...) تا چه حد بوده و است. رچشم انداز سفر و حضرهای بی حاصل رئیس جمهور محمود احمدی نژاد به استان های سراسر کشور، از جمله به استان گیلان در آستانه نوروز ۸۶، اسدالله عباسی نماینده شهرستان املش اعلام داشت: « دولت مصوباتی بسیار خوبی در خصوص تحقیقات و افزایش تولید برنج و بهزراعی و بهنژادی محصولات کشاورزی داشت و در خصوص چای و ابریشم نیز مقرر شد. کمیته ای به ریاست دکتر سعید لومعاون محترم اجرایی رئیس جمهور با حضور وزیر مربوطه، استاندار گیلان، مجمع نمایندگان گیلان در مجلس شورای اسلامی و نمایندگان تشکل های تولید کنندگان ظرف مدت ۱۰ روز تشکیل و پیشنهادات خود را به هیات دولت ارائه نمایند تا مشکلات چای و ابریشم برای همیشه رفع گردد و امیدوارم دولت در خصوص رفع مشکل چای و ابریشم تصمیمات اساسی اتخاذ نماید.» در گزارشی آمده است: « هر چند پس از سفر رئیس جمهور در آستانه نوروز ۸۶ به استان گیلان و دستوری برای حل مشکل تاکنون پنج جلسه در دفتر معاونان رئیس جمهور با دست اندرکاران چای برگزار شده است ولی تقریباً برگزاری این جلسات نتیجه ای نداشته است.»

می گویم : آنچه از این سفر به جا ماند؛ همان وعده های تهی مسئولان به مردمان زحمتکش شمال ایران و بی توجهی مسئولین منطقه در بار آوری محصولات کشاورزی ( چای - رنج - بریشم - وتون - مرکبات و محصولات صیفی و دامی ) که الزامات اصلی زندگی زحمتکشان این خطه را معنی می بخشد تا به امروز به ثبوت رسیده است. بزبانی آنچه در دستور کار معاون اجرایی رئیس جمهور و سایر دست اندرکاران استان برپا گردید، و می بایست به فاصله ۱۰ روز به ثمر می رسید، نه تنها تا به امروز به جایی نرسید بلکه همه خواسته ها و مطالبات زحمتکشان روستایی منطقه به جای خود مانده و پاسخ نگرفته است.

بحران صنعت چای محصول بی سیاستی دولت های پیشین و پیروی دولت نهم (احمدی نژاد) از همان سیاست ها و بازگذاشتن دست قاچاقچیان چای و آقازاده های چایی خوار و تقویت بخش خودمانی سازی شان، با ادعای اصلاح ساختاری صنعت چای، از زمان دولت های رفسنجانی و خاتمی به این سو فراهم آمده است. با از بین رفتن ستاد سازمان چای و برخی ادارات کل چای مانند اداره کل تمرکز و فرآوری چای ( انبارهای چای ) تمرکز تصمیم گیری در مورد صنعت چای کشور از میان رفت و هم اکنون وزارت بازرگانی مجوز واردات صادر می کند و تعاون روستایی

برگ سبز خریداری می کند، ولی هنوز بخش عمده اقتصاد چای در اختیار قاچاقچیان قرار گرفته است. لذا دولت و در مجموع دست اندرکاران قانونی چای تنها ۲۰ درصد از صنعت چای کشور را در اختیار دارند که این آمار نیز از آنجا به دست آمده که میزان مصرف چای در کشور سالانه بیش از ۱۰۰ هزار تن می باشد و مصرف سرانه چای در ایران توسط کمیته بین المللی ( آی . تی . سی ) حدود ۱/۶ کیلوگرم اعلام می شود و میزان تولید چای تا سال ۸۳ بین ۵۰ تا ۶۰ هزار تن بود که با انحلال سازمان چای در سال ۸۳ به نصف کاهش یافت.

می توان ادعا کرد با انحلال سازمان چای کشور در سال ۸۳ و این صنعت را از طریق وزارت بازرگانی، به زیرمجموعه " سازمان تعاون روستایی" و " وزارت جهاد کشاورزی" در آوردند. این مسئولان با واگذار نکردن وام های لازم، بذر، گود، سم و سایر خدمات به موقع به دست چایکار کشاورز، قطع هر نوع پشتوانه مالی، و سپردن همه امور به دست سازمان تعاون روستایی، بحران عمومی این صنعت را با تعطیلی فرسایشی کارخانه های چای و بیکار سازی وسیع کارگران در سطح کارخانه ها و کشاورزان چایکار در زمین های کشاورزی، همان وضعیت سقوط آزاد صنعت نساجی و شکر را در این صنعت نیز با شرایط همانند روزهای اول ورود چای به ایران در یکصد و هفت سال پیش در سراسر خطه گیلان و مازنداران فراهم ساختند.

در این رابطه از همان نامه پیشگفته " اتحادیه چایسازان املش به خامنه ای" آمده است: « همه تجار به دنبال خرید چای خشک ارزان قیمت تعاون روستایی رفتند و بازار داخل نیز تخریب و تعطیل شد. همین مسیر در سال ۱۳۸۶ نیز کارخانجات و با همین روال ادامه می دهند با این تفاوت که بدهیهای چندین میلیونی را نیز به همراه دارند که ادامه این شیوه در سال ۱۳۸۷ کلیه کارخانجات چایساز را تعطیل خواهد کرد. مضافاً در سال ۸۶ حدود ۴۰ کارخانه که اکثراً کارخانه جدید التاسیس و با مشارکت بانک و سرمایه مردمی ساخته شده تعطیل هستند و بدهی آنان بصورت نجومی افزایش می یابد و بعضاً در معرض اجرا و مصادره بانک قرار دارند ... ادامه این روند تحت مباشرت سازمان تعاون روستایی و وزارت جهاد کشاورزی حاصل دسترنج کاشف السلطنه را به موزه تاریخ خواهد سپرد که مایه شیرین کامی زمین خواران در شمال کشور به عناوین مختلف خواهد بود. » ( خرداد ماه ۸۶ )  
نامه مزبور تا به امروز کمترین واکنشی از سوی خامنه ای و دفترش نشان داده نشده است و ما همچنان با ورشکستگی این صنعت در تمامی عرصه ها روبرو هستیم . ( ادامه دارد )

\* (۱) برگرفته از سایت خبری روزنامه معین.

<http://www.moeendaily.com/news.php?readmore=502>

امیرجوهری لنگرودی

amirjavaheri@yahoo.com

نوامبر ۲۰۰۷ برابر آبان ۸۶